

سنجش میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه یزد از حقوق و وظایف شهروندی: درک احساس هویت جمعی

* اکبر زارع‌شاه‌آبادی

E-mail: A_zare@yazd.ac.ir

** قدسیه عبداللہی

E-mail: abdollahiqodsiyeh@ymail.com

*** زهرا فلک‌الدین

E-mail: Zahra.falakodin93@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

چکیده

هدف این پژوهش سنجش میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و وظایف شهروندی و عوامل مرتبط با آن می‌باشد. که به روش پیمایشی و به صورت مقطعی انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری دانشجویان دانشگاه یزد می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۳ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن از طریق اعتبار محتوایی و پایایی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد. یافته‌ها نشان داد که میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی کمی بالاتر از حد متوسط و میزان آگاهی آنها از وظایف شهروندی اندکی کمتر از حد متوسط است و بین متغیرهای جنسیت دانشجویان و میزان تحصیلات پدر آنها و همچنین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی با میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و وظایف شهروندی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر آن احساس هویت جمعی با میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی همبستگی مثبت و معناداری دارد. بنظر می‌رسد هرچه آگاهی در این زمینه افزایش می‌یابد احساس هویت جمعی نیز افزایش می‌یابد که این امر موجب تقویت هویت ملی، وفاداری و احساس مسؤلیت اجتماعی می‌گردد. در مجموع، متغیرهای باقیمانده در معادله رگرسیونی، ۸ درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهروندی و ۲۸ درصد از تغییرات آگاهی از وظایف شهروندی را تبیین می‌کنند.

کلید واژه‌ها: احساس هویت جمعی، حقوق شهروندی، دانشجویان، مشارکت سیاسی، وظایف شهروندی.

* دانشیار رشته جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه یزد، نویسنده مسئول

** کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

*** کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

مقدمه و بیان مسأله

حقوق شهروندی یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر است، که به دنبال تحولات اجتماعی و سیاسی در دو قرن گذشته و فروپاشی بنیان حکومت‌های خودکامه و پیدایش مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی و حقوقی، در تاریخ بشر رقم خورد (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۴). تعریف متعارف و نسبتاً مورد اجماع از شهروندی، شهروندی را مفهومی به هم پیوسته از حقوق و وظایف مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌داند که به مثابه نوعی پایگاه، شأن و عضویت اجتماعی به تمامی افراد جامعه اعطا شده است و فارغ از تعلقات طبقاتی، نژادی، قومی، مذهبی و اقتصادی، همگان را یکسان و برابر فرض گرفته و آنها را واجد حق برخورداری از تمامی امتیازات، منابع و مزایای حاصله از جامعه می‌داند و نهایتاً مسؤول، مکلف و مؤظف به مشارکت در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، محسوب می‌کند (منوچهری و حسینی، ۱۳۸۵: ۳). آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، مبنای اجرای عدالت اجتماعی است و فقط در صورت آگاهی مردم از حقوقشان می‌توان به ایجاد و تثبیت امنیت و رفاه اجتماعی پایدار و مستمر امیدوار بود. بی‌اطلاعی از حقوق و وظایف افراد و اهمال ورزیدن در مورد آن یا حقیر انگاشتن آن، یکی از مهم‌ترین علل تیره‌روزی‌های عامه مردم و فساد حکومت‌ها است (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸: ۸).

شهروندی وضعیتی است که حق افراد را برای برخورداری از حقوق و هم‌مسئولیت جمعی شهروندان که اداره‌ی با ثبات امور بر آنها مبتنی است را به رسمیت می‌شناسد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). هویت شهروندی به اعضای اجتماع دولت - ملت هویت ملی می‌دهد.

تحقق کامل شهروندی در هر جامعه‌ای درگرو شناخت مؤثر و مفید آن است و تا زمانی که شرایط و زمینه‌های ذهنی آن فراهم نشود، تحقق کامل آن امری دور از ذهن است. به عبارت دیگر تا زمانی که شهروندان از حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود آگاهی کامل و صحیحی نداشته باشند، در جهت احقاق این حقوق و مطالبه‌ی آن نیز گامی مؤثر بر نمی‌دارند. همان‌گونه که تا زمانی که از وظایف شهروندی‌شان آگاهی نداشته باشند، در مقابل جامعه و شهروندان دیگر احساس تعهد و وظیفه نمی‌کنند. آگاهی‌ها در طیف وسیعی از خرافات تا واقعیت قرار می‌گیرند و عوامل متعددی مانند سازمان‌های آموزشی، خانواده، دوستان و آشنایان، وسایل ارتباط جمعی و سازمان‌های علمی در تکوین آن نقش و دخالت دارند. کیفیت آگاهی عامل مهمی است که به نسبت

قابل توجهی برحسب افراد متفاوت است. در این میان میزان آگاهی دانشجویان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چراکه دانشجویان قشر ممتاز هر جامعه هستند و بیشتر برگزیدگان و سرآمدان جامعه، از آنها برمی‌خیزند. دانشجویان به لحاظ مجموعه خصوصیات خود مؤثرترین قشر فرهنگی و اجتماعی جامعه را تشکیل می‌دهند و از پتانسیل فوق‌العاده‌ای در ایجاد تحرک و جریان‌سازی در افکار عمومی و مشارکت در امور جامعه برخوردار هستند. بنابراین مسأله‌ی اصلی که در این پژوهش به دنبال پاسخ آن هستیم، این است که، دانشجویان که قشر جوان و تحصیل‌کرده‌ی جامعه هستند تا چه حد از حقوق و وظایف شهروندی خود آگاهی دارند و با آن آشنا هستند و عوامل مؤثر بر این شناخت مانند احساس هویت جمعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، شرکت در انتخابات و مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه چه رابطه‌ای با آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی در بین دانشجویان دارند؟

چارچوب نظری و مفهومی

غالب اندیشمندان جامعه‌شناسی، در نظریات و اندیشه‌های خود اشاره‌ای هرچند کوتاه یا غیرمستقیم به موضوع شهروندی و حقوق و مسؤولیت‌های آن، داشته‌اند. از جمله نظریات جامعه‌شناسان که در این پژوهش به بیان کلی نظریات آنان پرداخته شده است می‌توان به هابرماس، مارشال و ترنر اشاره کرد. چارچوب نظری کار نیز برگرفته از دیدگاه‌های این صاحب‌نظران با رویکرد تلفیقی است. هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه‌ی خود می‌گردند. در جامعه‌ی مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه‌ی مشارکت آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل می‌کند. به‌رغم هابرماس حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل‌شناسایی است و هسته‌ی اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند. و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (شیانی و داوودوندی، ۱۳۹۸: ۴۲). هم‌چنین تی.اچ. مارشال مهم‌ترین صاحب‌نظر و

نظریه پرداز حقوق شهروندی است که به طور مستقیم به این مقوله پرداخته است. برجسته ترین تفسیر از اصطلاح شهروندی را می توان در آثار وی دید. به اعتقاد او، اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است. ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت هستند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱: ۴۳). به عبارت دیگر شهروندی موقعیتی است که به همهی اعضای یک جامعه اعطا می شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارند، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آنها، با یکدیگر برابرند. هیچ اصل فراشمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چه هستند، اما جوامعی که در آنها شهروندی در حال رشد است، تصویری از شهروند آرمانی خلق می کنند که دستیابی به آن قابل اندازه گیری است و می توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق دهند (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۴۲). اهمیت کار مارشال در این است که او کوشیده علاوه بر وظایف و تکالیف به حقوق شهروندی نیز بپردازد. مارشال معتقد است اگرچه شهروندان باهم برابرند، اما طبقات اجتماعی در وضع نابرابری به سر می برند. او از دولت رفاه به مثابه ابزاری برای برابر کردن موقعیت ها و حذف نابرابری های غیرعادلانه حمایت می کرد، ولی درعین حال معتقد بود که نابرابری ها باید موجه بمانند؛ زیرا که لازمه ی یک اقتصاد سالم هستند و علاوه بر آن منعکس کننده ی تفاوت ها و قابلیت های فردی محسوب می شوند (شیانی و فاطمی نیا، ۱۳۸۸: ۱۱۴). مارشال معتقد است جامعه شناسی تاریخی شهروندی در غرب نشان می دهد که به موازات گسترش نهادسازی ها و بسترسازی های ساختاری حقوقی، سیاسی و اجتماعی، ما شاهد شکل گیری سه نوع به هم پیوسته از شهروندی، یعنی مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی هستیم (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۰). هم چنین مارشال (۱۹۶۳ و ۱۹۹۲) حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی را از ضروریات شهروندی کامل می داند. در قرن ۱۸ شهروندی مدنی با حقوق ضروری برای آزادی های فردی مثل آزادی بیان، اندیشه، حق مالکیت و غیره شکل گرفت. در قرن ۱۹، شهروندی سیاسی حق مشارکت در قدرت سیاسی را تامین کرد و این نوع شهروندی باعث تقویت هویت جمعی و انسجام جامعه می گردد زیرا افراد با حقوق شهروندی خود در مسائل جامعه مشارکت می کنند. هم چنین در قرن بیستم شهروندی اجتماعی امکان برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی مثل بهداشت درمان، مسکن، شغل و درآمد را فراهم نمود. شهروندی به واسطه ایجاد نهادهای مناسب در جامعه تحول یافته است (مارشال، ۱۹۶۴).

برایان. اس. ترنر از نظریه پردازان معاصر، شهروندی را مستلزم نهادینه شدن حقوق

اجتماعی و سیاسی می‌داند. از دید او شهروندی مجموعه حقوق و وظایفی است که به افراد هويت قانونی و رسمی اعطا می‌کند. این حقوق و تعهدات به لحاظ تاریخی در قالب مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی مثل نظام قضایی، پارلمان و دولت‌های رفاه قوام یافته است. مبنای شهروندی ایده‌ی اجتماع سیاسی نظیر دولت - ملت است. یعنی افراد با شهروند شدن در مجموعه نهادها، صاحب حقوق و وظایف شده، هویتی کسب کرده و دارای فضیلت مدنی می‌شوند. به بیان دیگر، تعلقات و وابستگی به اجتماع سیاسی که بدان تعلق دارند، پدید می‌آید. هویت شهروندی به اعضای اجتماع دولت - ملت، هویت ملی می‌دهد. لذا شهروندی یکی از ملاک‌های مهم دموکراسی به شمار می‌رود. بنا بر تجارب، در جهان معاصر حکومت‌های دموکراتیک بهتر از سایر نظام‌های سیاسی رفاه مالی، رشد فکری و رضایت اعضای خود را برآورده می‌سازند (نوابخش، ۱۳۸۵: ۲۴). در یک جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد مناسب‌ترین نظریه برای تبیین آگاهی دانشجویان از حقوق و وظایف شهروندی نظریه‌های هابرماس، ترنر و تی.اچ. مارشال باشد؛ چراکه به بحث حقوق و وظایف شهروندی پرداخته‌اند؛ هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه‌ی خود می‌شوند. در جامعه‌ی مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه‌ی مشارکت آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل می‌کند. به‌رغم هابرماس حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل‌شناسایی است و هسته‌ی اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند. و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند. درواقع مشارکت در عرصه‌های عمومی جامعه موجب افزایش آگاهی افراد از حقوق و وظایف آنان می‌شود. ما متغیر مشارکت در عرصه عمومی را از نظریه‌ی هابرماس گرفته‌ایم. هم‌چنین تی.اچ. مارشال مهم‌ترین صاحب‌نظر و نظریه‌پرداز حقوق شهروندی است که به‌طور مستقیم به این مقوله پرداخته است. برجسته‌ترین تفسیر از اصطلاح شهروندی را می‌توان در آثار وی دید. به اعتقاد او، اولاً شهروندی وضعیتی ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است. ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت‌اند حقوق و

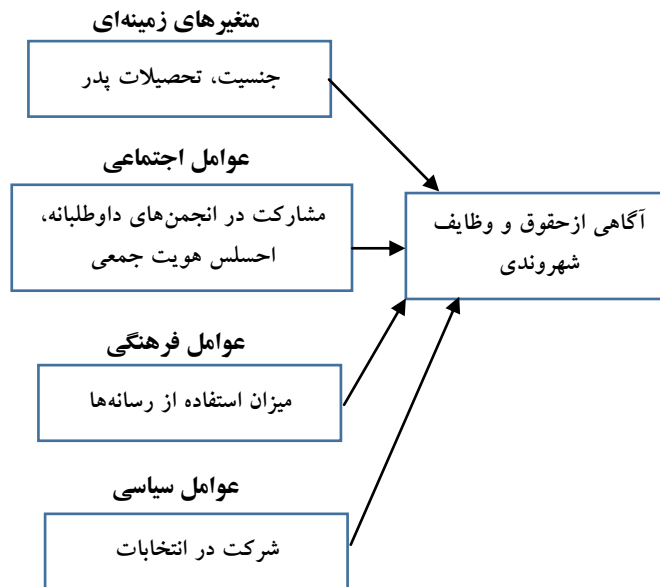
تکالیف یکسان و برابری دارند. به عبارت دیگر شهروندی موقعیتی است که به همه‌ی اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارند، با توجه به حقوق و وظایف اعطاشده به آنها، با یکدیگر برابر هستند. اهمیت کار مارشال در این است که او کوشیده علاوه بر وظایف و تکالیف به حقوق شهروندی نیز پردازد. مارشال معتقد است جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی در غرب نشان می‌دهد که به موازات گسترش نهادسازی‌ها و بسترسازی‌های ساختاری حقوقی، سیاسی و اجتماعی، ما شاهد شکل‌گیری سه نوع به هم پیوسته از شهروندی، یعنی مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی هستیم. در واقع چون مارشال برخلاف نظریه‌پردازان دیگر هم بحث حقوق شهروندی و هم بحث وظایف شهروندی را مطرح می‌کند، نظریه او اساس پژوهش ما را تشکیل می‌دهد. در آخر این که براین. اس. ترنر، نظریه‌پرداز معاصر، شهروندی را مستلزم نهادینه شدن حقوق اجتماعی و سیاسی می‌داند. از دید او شهروندی مجموعه حقوق و وظایفی است که به افراد هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند. مبنای شهروندی ایده‌ی اجتماع سیاسی نظیر دولت - ملت است. یعنی افراد با شهروند شدن در مجموعه نهادها، صاحب حقوق و وظایف شده، هویتی کسب کرده و دارای فضیلت مدنی می‌شوند. هویت شهروندی به اعضای اجتماع دولت - ملت هویت ملی می‌دهد. لذا شهروندی یکی از ملاک‌های مهم دموکراسی به شمار می‌رود. در واقع ترنر معتقد است که افراد با عضو شدن در اجتماع هویت جمعی پیدا می‌کنند و این هویت جمعی، حقوق و تکالیفی نیز برعهده افراد قرار می‌دهد. با توجه به مطالب گفته شده متغیرهای هویت جمعی از نظریه ترنر، عرصه‌های عمومی (مشارکت) از نظریه‌ی هابرماس و آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی را از نظریه مارشال گرفته‌ایم.

فرضیات تحقیق

- ۱- میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی بالا است.
- ۲- بین جنسیت و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین میزان تحصیلات پدر و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد.

- ۵- بین میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی و آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین احساس هویت جمعی و میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی دانشجویان رابطه وجود دارد.

مدل نظری پژوهش



پیشینه پژوهش

هزار جریبی و امانیان (۱۳۹۰) به بررسی «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن» پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که میزان حضور در عرصه عمومی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نگرش به حقوق شهروندی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی ارتباط معنی‌داری داشته‌اند. نبوی و دیگران (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان «عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که میزان احساس شهروندی در میان دانشجویان ۴۰/۲۸ درصد بوده است؛ این در حالی است که متغیرهایی چون جنسیت، قومیت، سطح و رشته تحصیلی، هیچ‌کدام بر این میزان

تأثیرگذار نبوده‌اند. هم‌چنین متغیرهایی چون نظام شخصیتی افراد، میزان پیگیری اخبار و وقایع اجتماعی و سیاسی، تحصیلات پدر، بحث و گفت‌وگو درباره وقایع اجتماعی و سیاسی، رابطه معناداری با احساس شهروندی دارند. دنترز، گبریل و تورکال (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «هنجارهای شهروندی خوب» بیان می‌کنند که نظریه‌پردازان سیاسی به هنجارهای پیرامون ویژگی‌های شهروند خوب، بسیار پرداخته‌اند. آنها عنوان می‌کنند که با برقراری دموکراسی نمایندگی و برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی ابتدایی در سال‌های اخیر بحث پیرامون نقش و جایگاه شهروندان وارد گفتمان عمومی شده است. در این پژوهش سعی شده است چگونگی درک شهروندان معاصر از مفهوم شهروندی و اهمیت هنجارهای شهروندی در نگاه آنان صورت‌بندی شود.

ضرایب متغیرهای تحقیق

جدول شماره ۱: تعداد گویه‌ها و ضرایب پایانی متغیرهای تحقیق

ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها	متغیرها
.۱۶	۱۶	آگاهی از حقوق اجتماعی - فرهنگی
.۱۶۷	۱۱	آگاهی از حقوق سیاسی
.۱۶۹	۴	آگاهی از حقوق اقتصادی
.۱۶	۱۰	آگاهی از وظایف اجتماعی - فرهنگی
.۱۶۶	۴	آگاهی از وظایف سیاسی
.۱۸۱	۴	آگاهی از وظایف اقتصادی
.۱۷	۵	میزان استفاده از رسانه‌ها
.۱۷۲	۹	مشارکت انجمن‌های داوطلبانه
.۱۶۹	۴	شرکت در انتخابات
.۱۷۷	۴	هویت جمعی

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش توصیفی - پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه یزد در مقاطع مختلف کارشناسی، ارشد و دکتری در سال ۱۳۹۳ هستند که شامل ۱۳ هزار دانشجو می‌باشند. شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر برآورد شده است. جهت تجزیه و

تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون‌های t و f ، تحلیل واریانس و ضریب همبستگی، رگرسیون استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌های این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته است که اعتبار محتوایی دارد. هم‌چنین برای محاسبه‌ی پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

حقوق شهروندی: حقوق شهروندی عبارت است از حقوق و آزادی‌هایی که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی، برای اتباع خود تأمین و تضمین می‌کند و محتوای آن ممکن است از یک کشور تا کشور دیگر کمی متفاوت باشد (صداقت، ۱۳۸۹: ۱۵).
تعریف عملیاتی: حقوق شهروندی خود سه بعد حقوق اجتماعی - فرهنگی (۱۶ سؤال)، حقوق سیاسی (۱۱ سؤال)، و حقوق اقتصادی (۴ سؤال)، دارد. گویه‌های این متغیر در یک طیف پنج‌قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزش‌گذاری شد، که از ۱ تا ۵ امتیاز به آنها اختصاص داده شد.

وظایف شهروندی: دومین متغیر وابسته‌ی این پژوهش است. هر شهروند در کنار حقوقی که از آنها برخوردار است متقابلاً دارای وظایفی نیز هست که در قانون اساسی هر کشور به آنها اشاره شده است. **تعریف عملیاتی:** وظایف شهروندی نیز سه بعد وظایف اجتماعی - فرهنگی (۱۰ سؤال)، وظایف سیاسی (۴ سؤال)، و وظایف اقتصادی (۴ سؤال) دارند. گویه‌های این متغیر در یک طیف پنج‌قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزش‌گذاری شد که از ۱ تا ۵ به آنها امتیاز داده شد. میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی: مجموعه فنون، ابزار و وسایلی را می‌رساند که از توانایی انتقال پیام‌های ارتباط حسی و یا اندیشه‌ای در یک‌زمان به شمار بسیاری از افراد و مخصوصاً در فواصل زیاد برخوردارند (نقدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹۷). **تعریف عملیاتی:** گویه‌های این متغیر در یک طیف پنج‌قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزش‌گذاری شد که از ۱ تا ۵ امتیاز به آنها اختصاص داده شد. **عرصه‌های عمومی:** برای سنجش میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی میزان مشارکت پاسخگویان در انجمن‌های داوطلبانه و میزان شرکت آنها در انتخابات را مورد پرسش قرار داده‌ایم. مشارکت اجتماعی آن دسته از فعالیت‌های ارادی را شامل می‌شود که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا مشارکت می‌کنند. و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی دخالت دارند (عقیلی و باستانی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

تعریف عملیاتی: گویه‌های این متغیر در یک طیف پنج قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزش گذاری شد که از ۱ تا ۵ به آنها امتیاز داده شد.

مشارکت سیاسی: آن دسته از کنش‌های شهروندان است که با هدف تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی و فضای سیاسی کلی کشور صورت می‌گیرند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۶۲). **تعریف عملیاتی:** مشارکت سیاسی طیف وسیعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود اما در این پژوهش تنها به بحث شرکت در انتخابات پرداخته شده است. پاسخ به این سؤالات به صورت بلی و خیر طراحی شده است.

هویت جمعی: در علوم اجتماعی، هویت جمعی به اعضای یک گروه یا مقوله اطلاق می‌شود که اعضای آن، خودشان را متفاوت از دیگران (دیگر گروه‌ها و مقولات) و مشابه با اعضا درون گروه می‌دانند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۹۷). **تعریف عملیاتی:** هویت جمعی با (۴ سؤال) سنجیده شده است و گویه‌های این متغیر در یک طیف پنج قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزش گذاری شد که از ۱ تا ۵ به آنها امتیاز داده شد.

یافته‌های تحقیق

الف) توصیفی

۶۴/۲ درصد پاسخگویان را دختران و ۳۵/۸ درصد را پسران تشکیل می‌دهند. هم‌چنین ۷۶/۸ درصد آنها مجرد و ۸۱/۷ درصد غیربومی بودند. علاوه بر این ۵۲/۲ درصد از پاسخگویان را دانشجویان کارشناسی، ۳۹/۹ درصد ارشد و ۷/۸ درصد را دانشجویان دکتری تشکیل می‌دهند که از این میان ۴۷ درصدشان در رشته‌های علوم انسانی، ۳۳/۲ درصد علوم پایه و ۱۹/۸ درصد در رشته‌های فنی و مهندسی تحصیل می‌کنند.

جدول شماره ۲: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد پاسخگویان	حداقل	حداکثر	میانگین	میانگین معیار	انحراف معیار
حقوق اجتماعی - فرهنگی	۳۷۵	۱۶/۰۰	۸۰/۰۰	۵۶/۲۹	.۴۸	۶/۱۳
حقوق سیاسی	۳۷۹	۱۱/۰۰	۵۵/۰۰	۴۳/۵۴	۳۳/۰	۱/۰۱
حقوق اقتصادی	۳۸۱	۴/۰۰	۲۰/۰۰	۱۸/۹۰	۱۲/۰	۱/۵۸
وظایف اجتماعی - فرهنگی	۳۷۳	۱۰/۰۰	۵۰/۰۰	۳۷/۲۷	.۳۰	۴/۱۱
وظایف سیاسی	۳۷۱	۴/۰۰	۲۰/۰۰	۱۷/۱۱	۱۲/۰	۲/۴۹
وظایف اقتصادی	۳۸۰	۴/۰۰	۲۰/۰	۱۵/۹۰	۱۲/۰	۳/۷۵
میزان استفاده از رسانه‌ها	۳۶۷	۵/۰۰	۲۵/۰۰	۱۲/۷۴	۱۵/۰	۲/۹۵
مشارکت انجمن‌های داوطلبانه	۳۷۲	۹/۰۰	۴۵/۰۰	۱۴/۹۴	۲۷/۰	۱/۱۴

۱/۳۸	۱۲/۰	۵/۲۳	۲۰/۰۰	۴/۰۰	۳۷۱	شرکت در انتخابات
۳/۲۵	۰/۱۲	۱۲/۷۲	۲۰/۰۰	۴/۰۰	۳۸۲	هویت جمعی

میانگین میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در هر سه بعد اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بالاتر از حد متوسط است و در بعد اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۰/۴۸. بالاتر از سایر ابعاد است. در زمینه وظایف شهروندی میانگین آگاهی دانشجویان در بعد وظایف اجتماعی - فرهنگی با نمره ۳۷/۲۷ بالاتر از میانگین معیار است و در دو بعد سیاسی و اقتصادی با میانگین نمره‌های ۱۷/۱۱ و ۱۵/۹۰ بالاتر از نمره میانگین معیار هستند. میزان استفاده از رسانه‌های جمعی نیز با میانگین ۱۲/۷۴ مشارکت اجتماعی شهروندان با میانگین ۱۴/۹۴ و در زمینه شرکت در انتخابات با میانگین ۵/۲۳ پایین‌تر از حد میانگین معیار است. هم‌چنین در زمینه هویت جمعی با میانگین ۱۲/۷۲ بالاتر از میانگین معیار است.

ب) یافته‌های استنباطی

جدول شماره ۳: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای حقوق و وظایف شهروندی

Sig	t	درجه آزادی	میانگین معیار	میانگین	متغیرها
۰/۰۰۰	۲۱۲/۶۴۶	۳۶۸	۱۰۹	۱۱۸/۸۴	حقوق شهروندی
۰/۰۰۰	۱۸۴/۲۰۶	۳۵۸	۷۱	۷۰/۵۶	وظایف شهروندی

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که میانگین آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی بالاتر از حد متوسط است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. اما در زمینه وظایف شهروندی، میزان آگاهی دانشجویان با میانگین ۷۰/۵۶ کمی پایین‌تر از حد متوسط است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرض بالا بودن میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی تأیید می‌شود.

جدول شماره ۴: رابطه بین جنسیت و میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی

Sig	T	میانگین	جنسیت	متغیر
۰/۰۴۹	۰/۶۹۱	۱۴۱/۳۴	دختر	حقوق شهروندی
		۱۴۰/۳۶	پسر	
۰/۰۲۴	۲/۲۶۱	۶۹/۹۶	دختر	وظایف شهروندی
		۷۱/۶۵	پسر	

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، میانگین نمره‌ی آگاهی دانشجویان پسر از حقوق شهروندی پایین‌تر از دختران است؛ این اختلاف میانگین به لحاظ آماری معنادار است؛ در حالی که میانگین نمره‌ی وظایف شهروندی پسران، بالاتر از میانگین دختران است و این تفاوت نیز به لحاظ آماری معنادار است.

جدول شماره ۵: رابطه بین تحصیلات پدر و میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی

متغیر	تحصیلات پدر	میانگین	t	Sig
حقوق شهروندی	دیپلم و زیر دیپلم	۱۱۸/۷۵	۰/۵۰۶	۰/۰۱۳
	تحصیلات دانشگاهی	۱۱۹/۳۶		
وظایف شهروندی	دیپلم و زیر دیپلم	۶۹/۹۱	۳/۰۴۰	۰/۰۰۳
	تحصیلات دانشگاهی	۷۲/۲۴		

طبق یافته‌های مندرج در جدول شماره ۵ میانگین آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی در میان پاسخگویانی که پدر آنها تحصیلات دانشگاهی دارند، بالاتر از سایر پاسخگویان است. این تفاوت‌ها از لحاظ آماری معنادار است.

جدول شماره ۶: نتایج ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته

Sig	میزان همبستگی	متغیرها
۰/۰۰۰	۰/۱۸۴	حقوق شهروندی
۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	وظایف شهروندی
۰/۱۹۰	۰/۰۶۹	حقوق شهروندی
۰/۰۷۰	۰/۰۹۷	وظایف شهروندی
۰/۰۰۳	۰/۱۵۴	حقوق شهروندی
۰/۰۰۰	۰/۴۹۹	وظایف شهروندی
۰/۰۰۰	۰/۲۴۷	حقوق شهروندی
۰/۰۰۰	۰/۳۳۵	وظایف شهروندی

با توجه به نتایج جدول شماره ۶ براساس جدول فوق بین میزان شرکت در انتخابات و میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی همبستگی مثبتی وجود دارد، به طوری که هرچه میزان شرکت در انتخابات بیشتر باشد، میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. این همبستگی به لحاظ آماری معنادار است. هم‌چنین براساس این جدول بین میزان مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه با میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی، رابطه به لحاظ آماری معنادار نیست. نتایج جدول فوق حاکی از آن است که بین میزان استفاده از رسانه‌ها و میزان آگاهی

دانشجویان از حقوق شهروندی، همبستگی متوسط و مثبت وجود دارد؛ به طوری که هرچه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی افزایش یابد، میزان آگاهی از حقوق شهروندی افزایش می‌یابد و این رابطه به لحاظ آماری معنادار شده است. هم‌چنین بین میزان استفاده از رسانه‌ها و آگاهی از وظایف شهروندی رابطه‌ی مثبت و متوسطی وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان استفاده از رسانه‌ها بیشتر شود، میزان آگاهی از وظایف شهروندی نیز بیشتر می‌شود و بالعکس. این رابطه نیز به لحاظ آماری معنادار است.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین احساس هویت جمعی و آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی هم نشان می‌دهد که بین این دو متغیر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد؛ به طوری که هرچه میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی بالاتر باشد احساس هویت جمعی نیز قوی‌تر است.

جدول شماره ۷: رگرسیون گام‌به‌گام برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر آگاهی از حقوق شهروندی

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	t	سطح معنی‌داری
	B	خطای معیار			
سن	-۰/۶۴۷	۰/۱۹۷	-۰/۱۶۵	-۳/۲۸۸	۰/۰۰۱
تحصیلات مادر	-۲/۴۶۶	۰/۵۷۸	-۰/۲۱۴	-۴/۲۶۹	۰/۰۰۰
مدل	R		R2	R2 Adj	
۱	/۲۹۵		/۰۸۷	/۰۸۲	

در این تحلیل متغیرهای تحقیق به صورت یکجا وارد مدل شدند و متغیرهای سن و تحصیلات مادر توانستند ۸ درصد از تغییرات متغیر آگاهی از حقوق شهروندی را تبیین کنند. متغیر سن بیشترین تأثیر را روی متغیر وابسته داشت.

جدول شماره ۸: رگرسیون گام‌به‌گام برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر آگاهی از وظایف شهروندی

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	t	سطح معنی‌داری
	B	خطای معیار			
وضعیت تأهل	۳/۲۵۱	۰/۷۳۵	۰/۱۹۶	۴/۴۲۶	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌ها	۱/۱۲۰	۰/۱۰۸	۰/۴۶۱	۱۰/۴۱۷	۰/۰۰۰
مدل	R		R2	R2 Adj	
۱	/۵۳۴		/۲۸۶	/۲۸۲	

در این تحلیل متغیرهای تحقیق به صورت یکجا وارد مدل شدند و متغیرهای وضعیت تأهل و استفاده از رسانه‌ها توانستند ۲۸ درصد از تغییرات متغیر آگاهی از وظایف شهروندی را تبیین کنند. متغیر استفاده از رسانه‌ها بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای مدرن است. و هر چه آگاهی در این زمینه افزایش می‌یابد احساس هویت جمعی نیز افزایش می‌یابد که این امر موجب تقویت هویت ملی، وفاداری و احساس مسئولیت اجتماعی می‌گردد. بنابراین به دنبال اهمیت این موضوع در پژوهش حاضر در پی پاسخ برای این سؤال بودیم که دانشجویان به‌عنوان قشر تحصیل‌کرده تا چه حد از حقوق و وظایف خود به‌عنوان شهروند آگاهی دارند و چه عواملی بر میزان این آگاهی و درک هویت جمعی آنها تأثیرگذار است؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که بین تحصیلات پدر دانشجویان با میزان آگاهی آنها از حقوق و وظایف شهروندی رابطه وجود دارد. که این یافته با پژوهش نبوی و دیگران (۱۳۸۸) همسو است.

هم‌چنین نتایج نشان داد که بین متغیر جنسیت با میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی رابطه وجود دارد. این پژوهش با یافته‌های نبوی و همکاران (۱۳۸۸) همسو نبود. در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی دختران میانگین بالاتری نسبت به پسران به دست آوردند، ولی در زمینه وظایف شهروندی میانگین پسران بیشتر از دختران بود. هم‌چنین بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی رابطه معناداری مشاهده شد که این نتیجه همسو با نتایج هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰) است. در این پژوهش بحث مشارکت در عرصه‌های عمومی را از دو طریق شرکت در انتخابات و مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه بررسی کردیم. این نتایج همسو با نتایج هزار جریبی و امانیان (۱۳۹۰) است. هابرماس هم معتقد است شهروندی ناشی از شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی است. از نظر وی در جامعه‌ی مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. اما نتایج بررسی، رابطه معنادار بین مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه با میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی، را رد می‌کند. شاید به توان گفت که دلیل رد این رابطه، میزان مشارکت بسیار ضعیف دانشجویان در این گونه انجمن‌ها است. در این زمینه نیاز به پژوهش درخصوص چرایی عدم مشارکت فعالانه دانشجویان در این تشکلهای ضروری به نظر می‌رسد. در زمینه‌ی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و وظایف شهروندی که سؤال اصلی پژوهش حاضر بود، نتایج

به دست آمده نشان می‌دهند که میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با میانگین ۱۱۸/۸۴ (میانگین معیار ۱۰۹)، کمی بالاتر از حد متوسط است، این نتیجه همسو با نتایج به دست آمده از کارهای هزار جریبی و امانیان (۱۳۹۰) است. هم‌چنین براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش بیشترین میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در بعد اجتماعی - فرهنگی است و در زمینه وظایف شهروندی نیز میزان آگاهی دانشجویان با میانگین ۷۰/۵۶ (میانگین معیار ۷۱) کمی پایین‌تر از حد متوسط است. که کم‌ترین میزان آگاهی دانشجویان از وظایف شهروندی مربوط به بعد اجتماعی - فرهنگی است. هرچند که انتظار می‌رفت دانشجویان به عنوان قشر فعال و تحصیل کرده‌ی جامعه آگاهی نسبتاً بالایی نسبت به حقوق و وظایف خود داشته باشند، اما متأسفانه نتایج فوق نشان می‌دهند که میزان آگاهی آنان در زمینه حقوق شهروندی متوسط رو به پایین است و در زمینه وظایف شهروندی میزان آگاهی شان حتی از سطح متوسط هم پایین‌تر است. هم‌چنین بین احساس هویت جمعی و آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد؛ به طوری که هرچه میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی بالاتر باشد احساس هویت جمعی نیز قوی‌تر است. از نظر میلر شهروندی ریشه در ساختار داخلی دارد و تنها هویت ملی و تعلق به وطن مشخص است که می‌تواند احساس وظیفه را در اشخاص برانگیزد. به‌عنوان نقطه شروع شهروندی جهانی از احترام به حقوق و وظایف افراد در داخل کشورها پی‌ریزی می‌شود؛ بنابراین مشارکت فعال در مسائل سیاسی اجتماع را نباید تنها به‌عنوان اعمال جزئی از سهم موجود در امور سیاسی (حق) به شمار آورد. بلکه آن را باید نقطه آغاز مشارکت در زندگی اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های جمعی محسوب داشت. وقتی افراد به ساختار اجتماعی خویش احساس تعلق و هویت کنند می‌توان انتظار داشت که هویت دیگران را درک کرده و به آن احترام بگذارند. آثار عملی این روند را نمی‌توان نادیده گرفت اولاً احساس تعلق و داشتن هویت جهانی انگیزش لازم را برای دفاع از حقوق هم‌نوعان در تمام نقاط دنیا ایجاد می‌کند که این حقوق لزوماً به حقوق ابتدایی نوع بشر محدود نمی‌گردد. ثانیاً دخالت در سرنوشت و امور دیگران تنها به انجام تعهد محدود نمی‌گردد؛ و افراد جامعه به‌خصوص قشر روشنفکر با تلاش و افزایش آگاهی‌های خود به وظایفشان در قبال دولت ملی باعث تقویت هویت جمعی و ملی کشور در مقابل بیگانگان خواهند شد. از آنجا که سطح آگاهی دانشجویان - به‌عنوان قشر تحصیل کرده و جوان جامعه - از حقوق و وظایف شهروندی شان پایین‌تر از سطح مورد انتظار بود، مسؤولان

مربوطه باید برنامه‌ریزی دقیقی در جهت افزایش سطح آگاهی آنان کنند؛ زیرا که بین میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی و احساس هویت جمعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تقویت این آگاهی منجر به تقویت هویت جمعی دانشجویان می‌شود. در همین راستا دانشگاه می‌تواند از طریق برنامه‌هایی همچون برگزاری کلاس‌ها و سمینارهای آموزشی برای دانشجویان، طراحی و توزیع بروشورهای تبلیغاتی در میان دانشجویان، گنجاندن یک واحد درسی تحت عنوان آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی و اقداماتی از این دست، در جهت افزایش سطح آگاهی آنان گام بردارد.

منابع

- السان، مصطفی (۱۳۸۷)؛ «حقوق شهروندی از چشم‌انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران»، *حقوق بشر*، ج ۳، ش ۲، صص ۲۰-۳.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی*، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه، ص ۱۹۷.
- شیبانی، ملیحه؛ داودوندی، طاهره (۱۳۸۹)؛ «تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۵، صص ۳۶-۵۹.
- شیبانی، ملیحه؛ فاطمی‌نیا، سناوش (۱۳۸۸)؛ «میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی»، *راهبرد*، ش ۱۸، صص ۱۰۴-۱۲۹.
- صداقت، قاسمعلی (۱۳۸۹)؛ «ویژگی‌های فقه اهل بیت و نقش آن در حمایت از حقوق شهروندی»، *معرفت*، س ۱۹، ش ۱۵۴، صص ۱۴-۳۰.
- عقیلی، وحید؛ باستی، حمدالله (۱۳۸۹)؛ «موانع مشارکت اجتماعی و راه‌های تقویت آن در رادیو»، *پژوهش‌های ارتباطی*، ش ۶۴، صص ۱۳۳-۱۵۸.
- کلدی، علیرضا؛ پوردهناد، نگار (۱۳۹۱)؛ «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، *فصلنامه مطالعات شهر*، س ۲، ش ۴، صص ۲۹-۵۸.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹)؛ «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی راهکاری برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، س ۳، ش ۱۰، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- نبوی، سیدعبدالحسین؛ ارشاد، فرهنگ؛ فاضل، سیدحسام‌الدین (۱۳۸۸)؛ «عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۱۰، ش ۳۸، صص ۸۹-۱۰۳.
- نقدی، اسدالله؛ کمریگی، خلیل؛ عنبری، علی (۱۳۹۱)؛ «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر ایجاد و تعمیق وفاق اجتماعی - مورد مطالعه ایلام»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۳۲، صص ۱۸۷-۲۰۵.
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵)؛ «بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی*، ش ۵، صص ۱۱-۳۰.
- هزارجریبی، جعفر؛ امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰)؛ «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، س ۳، ش ۹، صص ۱-۱۸.
- Denters, B., Gabriel, O., & Torcal, M. (2007); *4 Norms of good citizenship*, Citizenship and involvement in European democracies: a comparative analysis, 88.
- Marshal, T.H. & Bottmore, T. (1992); *Citizenship and Social Class*, Pluto Press.
- Marshal, T.H. (1963); *Sociology at the Crossroads and Other Essay*, Heinemann, Londn.
- Marshal, T.H. (1964); *Class, Citizenship and Social Development*, New York Routledge, London.
- Oliver, B.H & Heater, D (1994); *The Foundation of Citizenship*, Greate Britain: Harvester Wheatsheat.